Archive of SID.ir

فصلنامه علمی
پژوهش‌های نهج‌البلاغه
سال بیست وسوم / پاییز۱۴۰۳/ شماره ۸۲

صفحات
۲۲۹-۲۵۴

Quarterly Journal of
Nahjolbalagheh Research
Vol. 23, Autumn 2024, No. 82

نسبت عدالت اقتصادی با رونق کار و تولید در اندیشه علوی

اشرف جنّتی(جنّاتی)*

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۱/۲۸ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۸/۰۴

چکیده:

عدالت اقتصادی، مهمترین معیار در سازماندهی جامعه است. از سوی دیگر، داشتن چرخه تولید مولّد، یکی از مفاهیم نوین در حوزه اقتصاد است. ترسیم ساختار عدالت و نسبت آن با رونق تولید در اندیشه امام‌علی علیه‌السلام به وضوح، بیانگر ژرفای معرفتی مکتب علوی، در ارائه الگوی کارآمد مدیریّتی و تنظیم سیاست عدالت‌گستر در حوزه رونق تولید است. لذا این پژوهش به صورت کیفی و توصیفی، مفاهیم مندرج در اندیشه علوی، به ویژه در نهج‌البلاغه را، در حوزه رونق تولید و تأثیر آن در برقراری عدالت اقتصادی واکاوی و تحلیل می‌نماید. تبیین این موضوع به صورت کیفی، نگاه جامعی به شاخصه‌های تعاملی مردم و کارگزاران و راهبردهای نیل به رونق تولید و رشد عدالت را ارائه می‌دهد. یافته‌های پژوهش، بیانگر آن است که تحقّق توسعه و رونق کار و تولید، مستلزم توجه به مقوله‌های مختلف در حوزه عدالت اقتصادی است. در بینش علوی، راهبردهای وصول به عدالت اقتصادی و رونق تولید در دو حیطه مردم و حکومت معنا می‌یابد. کار، عدم غرور، خودکفایی، نهی از دنیاگرایی، میانه روی در زندگی و خودسازی، مهمترین راهبردهایی است که مردم می‌توانند در این زمینه کمک فزاینده به نظام اسلامی داشته باشند. راهبردهای حوزه حکومت نیز عبارتند از: شایسته‌سالاری، مبارزه با مفاسد اقتصادی، شفافیّت‌سازی، اتّخاذ سیاست‌های مالی درست، توجه به اشتغال افراد. کلام علوی، مدلی روزآمد، در عرصه مدیریّت اقتصادی، جهت پیشبرد عدالت و توسعه تولید ارائه می‌دهد که این الگو می‌تواند در نظام‌سازی جامعه اسلامی نقش‌آفرین باشد.

کلید واژگان:

عدالت اقتصادی، رونق تولید، نهج‌البلاغه، شایسته‌سالاری، اختلاس.

* استادیار گروه معارف اسلامی، دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی گیلان، رشت، ایران. ashrafjannati@gums.ac.ir

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

۱- مقدمه

عدالت، دغدغه تاریخی و همیشگی بشر بوده است. احساس نیاز به عدالت، در طول تاریخ تا به امروز، در میان مردم عمومیّت داشته و باعث شده است تا متفکّران، فلاسفه و حکما، وارد این حوزه شوند و نظریّه‌هایی را ارائه دهند و البتّه هرکدام، بعد یا ابعادی از عدالت را مدّ نظر داشته‌اند. از سوی دیگر، مهمترین هدف عدالت، داشتن اقتصاد با ثبات، توزیع عادلانه درآمدها، اشتغال پایدار و رونق تولید است. بی‌شک، اگر عدالت اقتصادی برقرار گردد، موجب کاهش فقر و فاصله طبقاتی، تحقّق توازن نسبی در مناسبات اقتصادی، تساوی زمینه‌های کسب درآمد و برخورداری می‌شود(ر.ک: آقانظری، ۱۳۸۳، ص۶۵). موضوع «رونق و جهش تولید» از مهمترین و بنیادی‌ترین اهداف سیاست‌های اقتصاد مقاومتی است. مقام معظّم رهبری در همین راستا، از یک سو تولید را علاج اصلی بسیاری از مشکلات کشور در مقطع فعلی خوانده و همواره بر ضرورت حمایت از تولیدکنندگان و رفع موانع تولید تأکید نموده‌اند و از سوی دیگر خطاب به ملت شریف ایران، آنان را به حمایت از تولید ملی و پرهیز از سبک زندگی مصرف‌گرایانه و تجمل‌گرایانه که ریشه در فرهنگ غرب دارد، فراخوانده‌اند.

رونق تولید برای کشور از اهمیّت بالایی برخوردار است؛ زیرا از یک طرف باعث حلّ چالش‌های پیش روی اقتصادی، مانند اشتغال می‌انجامد و از سوی دیگر منجر به شکل‌گیری قدرت اقتصادی می‌گردد که زیرساخت لازم برای سایر ابعاد قدرت است. به عبارت دیگر، رونق تولید هم باعث حلّ مشکلات اقتصادی می‌گردد هم آسیب‌پذیری اقتصادی را کاهش می‌دهد. باید توجه داشت که کار و تولید، زمانی رونق می‌یابد که ساز و کارهای مناسب برای تمام مردم در هر گروهی فراهم گردد و عدالت برای همه در عرصه تولید و کار فراهم شود. همچنین ایشان در دیدار با اعضای دولت دهم، ضمن تأکید بر رعایت عدالت، ضرروت تعیین شاخص برای عدالت را تذکّر دادند و فرمودند: «یک مقیاسی لازم است، یک معیاری لازم است، برای اینکه ببینیم عدالت در بخش‌های مختلف، بخش‌های فرهنگی، آموزشی، اقتصادی و ... مراعات شده یا نه»(حسینی خامنه‌ای، ۱۳۸۹). بنابراین، مسئله عدالت اقتصادی و ارتباط آن با کار و تولید، از اهمّیّت استراتژیکی برای جوامع بشری، به ویژه جوامع مسلمان برخوردار است.

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

چگونگی برقراری عدالت اقتصادی در همه ابعاد آن، اعم از عدالت معاوضی و عدالت توزیعی در رونق تولید به گونه‌ای که هم نابرابری‌ها را تقلیل دهد و هم رضایت عمومی را در پی داشته باشد، دغدغه‌ای است که در جامعه اسلامی در عصر حاضر بیشتر شده است؛ به طوری که این موضوع، منبع و منشأ تعارض‌های اجتماعی و دوقطبی شدن جوامع (فقیر و غنی) شده است.

با توجه به اهمّیّت تولید و کار در دنیای امروز، ضرورت رجوع به آراء بزرگان دین، به ویژه امیرالمؤمنین علیه‌السلام به عنوان پیشوای مسلمانان عالم احساس می‌گردد. از این‌رو، این پژوهش، با هدف تبیین و تحلیل ابعاد و شاخصه‌های عدالت اقتصادی با موضوع رونق کار و تولید در نظام اندیشگانی امام‌علی علیه‌السلام انجام شده است. در این پژوهش، تلاش شده است با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی به بررسی فرازها و فرامین حکومتی امام‌علی علیه‌السلام در موضوع نسبت عدالت اقتصادی با رونق تولید پرداخته شود و فراتر از نکات مفهومی آنها، به شاخصه‌ها و نکات کاربردی مستخرج از کلام علوی، در مسیر برقراری عدالت اقتصادی در حوزه تولید پرداخته شود. بدین ترتیب، در این پژوهش، سعی شده است به سؤالات زیر پاسخ مناسبی داده شود:

۱-با توجه به مفهوم عدالت اقتصادی در دیدگاه حضرت علی علیه‌السلام در نهج‌البلاغه، راهبردهای اجرای عدالت اقتصادی در زمینه رونق کار و تولید به چه صورت است؟

۲- با توجه به راهبردهای ایجاد و رونق توسعه و عدالت اقتصادی در کلام علوی، آیا می‌توان این تدابیر امام علیه‌السلام را در عصر کنونی، کاربردی ساخت و برای احیای تمدّن نوین اسلامی به کار بست؟

هرچند در باب عدالت اقتصادی در کلام علوی پژوهش‌های مختلفی انجام شده است ولی اثری درباره نسبت میان عدالت اقتصادی با موضوع رونق تولید با تمرکز بر اندیشه امام‌علی علیه‌السلام یافت نشد؛ گرچه در برخی پژوهش‌ها به صورت جزئی به این موضوع اشاره شده است: گراوند و همکاران (۱۴۰۱) با تمرکز بر نامه ۵۳ نهج‌البلاغه با روش تحلیل گفتمان انتقادی به بررسی عدالت توزیعی پرداخته‌اند. امینی کهریزسنگی و همکاران(۱۳۹۹) مستندات قرآنی موضوع عدالت اقتصادی در نهج‌البلاغه را مورد تحلیل و بررسی قرار داده‌اند. خوش خاضع و همکاران (۱۳۹۹) موانع سیاسی و اجتماعی رونق تولید از منظر قرآن و نهج‌البلاغه را با روش توصیفی مورد تبیین قرار داده‌اند.

فارغ از مباحث بیان شده در مقالات مذکور، پژوهش پیش رو با تمرکز بر دیدگاه امام‌علی علیه‌السلام نسبت میان عدالت اقتصادی با رونق تولید را مورد بررسی قرار می‌دهد.

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

۲-مفهوم شناسی

پیش از تبیین موضوع اصلی مقاله لازم است مفاهیم اساسی پژوهش تبیین شود:

۲-۱-معنای لغوی و اصطلاحی عدالت

واژه عدالت، در زبان عربی، نقیض «جور» و به معنای رساندن حق به صاحب آن است(فراهیدی، ۱۴۰۹، ۲، ص. ۳۸؛ ابن منظور، ۱۴۱۴، ۱۱، ص. ۴۳۰). همچنین عدل، به معنای توازن، یعنی عدم وجود شکاف طبقاتی تعبیر شده است(مطهری، ۱۳۶۸، ص. ۱۷۴-۱۷۵).

عدالت از منظر کلام علوی به دو معنا بیان شده است. نخست، قرار دادن هر چیزی در سر جای بایسته‌اش است. امام‌علی(ع) در پاسخ به این پرسش که عدل بهتر است یا جود، چنین فرمود: «عدالت کارها را بدان جا می‌نهد که باید و بخشش آن را برون نماید. عدالت تدبیرکننده‌ای است به سود همگان و بخشش به سود خاصّان، پس عدالت، باشرف‌تر و با فضیلت‌تر است»(حکمت ۴۳۷). امام‌علی(ع) می‌فرماید: «هیچ عدلی، سودمندتر از بازگرداندن مظلمه نمی‌باشد»(لیثی واسطی، ۱۳۷۶: ص. ۵۴۳؛ تمیمی آمدی، ۱۴۱۰، ص. ۷۸۷). رالز از اندیشندان نظریّه‌پرداز حوزه عدالت، آن را حق برخورداری یکسان از آزادی‌های سیاسی برابر می‌داند(Rawls, 1980, p.164).

دومین معنا از عدالت در نهج‌البلاغه، برابری در فرصت‌هاست. حضرت در نامه ۵۳ با اشاره به ایجاد فرصت برابر برای همگان تأکید می‌دارد نباید نسبت خویشاوندی و دوستی‌ها میان والی و گروهی خاص، به نابرابری فرصت در معاملات اقتصادی بینجامد و تأکید می‌کند که زمینه چنین بهره‌مندی‌ها از بین برود»(نامه ۵۳). در تأیید معنای اوّل و دوم، آیت الله مصباح یزدی(ره) عدالت را به معنای رعایت حقوق دیگران، انجام کار حکیمانه و قرار دادن هرچیزی در جای شایسته‌اش می‌داند(مصباح یزدی، ۱۳۷۴، ص. ۱۹۳).

۲-۲-عدالت اقتصادی

واژه ترکیبی عدالت اقتصادی، از دو کلمه عدالت و اقتصاد، از نگاه اندیشمندان مسلمان دارای معانی متفاوت است:

الف) توزیع منابع و امکانات به صورت برابر و عادلانه و بدون توجه به جایگاه طبقاتی خاصّ(صدر، ۱۳۷۲، ص. ۲۸۶).

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

ب) رفع فقر و محرومیّت، ایجاد رفاه عمومی و توازن در ثروت‌ها و درآمدها(رعایائی، ۱۴۰۰، ص.۱۰۸).

ج) رعایت عدالت در بهره‌مندی افراد جامعه از امکانات اقتصـادی و فرصـت‌های برابر در برخورداری از بیت المال یا منابع طبیعی(قابل، ۱۳۹۰، ص. ۸۴).

د) عدالت اقتصـادی، زیر مجموعه عدالت اجتماعی و به معنای رعایت مسـاوات در جعل و اجرای قانون است؛ به نحوی که قانون، برای همه، امکانات مساوی برای پیشرفت و استفاده و سیر مدارج ترقّی قائل گردد(مطهری، ۱۴۰۳، ص. ۱۵۶).

منظور از عدالت اقتصادی، مراعات حقوق اقتصادی در حوزه رفتارها، روابط اقتصادی و عدم تبعیض در امکانات و فرصت‌های اوّلیّه در اختیار افراد است. این امر، به عنوان یک هدف اقتصادی مشـخّص، هنگامی به طور کامل محقّق می‌گردد که هریک از افراد جامعه، به حقّ خود از ثروت و درآمدهای جامعه دست یابند. به عبارت دیگر، عدالت اقتصادی آن است که هرکس بنا بر معیارحق و با توجه به تلاش، استعداد، فرصت‌ها، آزادی‌های اقتصادی، حقوق و امتیازها، سرمایه اجتماعی، انسـانی و مالی و سـطح ارزش اقتصـادی فردی‌اش به اسـتحقاق خود برسـد یا افراد و گروه‌ها از بهره‌مندی‌های اقتصـادی بهره گیرند تا عدالت رعایت شـده باشـد. این معنا از عدالت اقتصـادی، با آموزه‌های اسـلامی(ر.ک: کهف/۳۰؛ هود/۸۵) و نظریّه‌های اندیشـه‌وران مسـلمان مطابقت دارد(ر.ک: توسلی، ۱۳۷۵، ص.۲۳).

۲-۳-تولید

تولید، از اصطلاحات علم اقتصاد، به معنی تهیه کالا و خدمات مورد نیاز، با استفاده از منابع و امکانات موجود اسـت و میزان تولیدات و ارزش اقتصـادی آن، یکی از مهمترین ابزار اندازه گیری موفقیت‌های اقتصادی کشورهاست. رونق تولید، به معنای شکوفایی ظرفیت‌های اقتصادی است و موضـوعی حیاتی برای شـرایط حال و آینده کشـور اسـت؛ زیرا از یک سـو، ناظر بر حل مسـائل و چالش‌های حاکم بر اقتصاد کشور است و از سوی دیگر، معطوف به ظرفیت‌سازی و استحکام ساختار اقتصـادی کشـور در آینده می‌باشـد. به عبارت دیگر، رونق تولید هم نسـخه‌ای برای حل و رفع چالش‌های کنونی اقتصـاد کشـور اسـت و هم در بلند مدت، منجر به کاهش و از بین رفتن آسیب‌پذیری‌های اقتصاد ملّی می‌شود(ر.ک: غلام پور، ۱۳۹۹، ص. ۱۵).

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

۳- راهبردهای کلام علوی در برقراری عدالت اقتصادی در زمینه کار و تولید

در کلام و سیره عملی امام‌علی(ع) راهبردهایی در باب برقراری عدالت اقتصادی در زمینه کار و تولید بیان شده است. این اصول، مختصّ یک صنف نیست، بلکه در دو گروه مردم و حکومت جای می‌گیرد که در این بخش تبیین می‌شود.

۳-۱- مردم

مردم به عنوان نیروی کنشگر در جامعه در برقراری عدالت اقتصادی و تولید نقش مهمی دارند. در واقع، مردم به عنوان عنصر محوری در توسعه کار و تولید نقش برجسته دارند به طوری که در اندیشه علوی این نقش در ارتباط با عدالت اقتصادی تبیین شده است. در این بخش این موارد بیان می‌شود:

۳-۱-۱- کار و تلاش

یکی از وظایف مردم در برقراری عدالت اقتصادی در حوزه رونق تولید، کار و تلاش است. رخوت و تنبلی از مهمترین موانع رونق تولید است که در نتیجه آن، عدالت اقتصادی شکوفا و بروز نمی‌شود. از این رو، جهاد اقتصادی از دلایل رونق اقتصادی است که در آن تمام مسئولان و مردم سهیم هستند و هر یک وظایفی به عهده دارند. برای موفقیت در این کار، مردم و مسئولان، باید بدون در نظر گرفتن منافع شخصی خود و گروهی، به فکر حل مشکلات اقتصادی جامعه باشند؛ از تمام نیروی تولیدی خود جهت رونق اقتصادی استفاده کنند، مصرف‌کنندگان (مردم) نیز با مصرف تولید داخل، حلقه آخر این زنجیره را تکمیل کنند. در حال حاضر که کشور درگیر جنگ اقتصادی و تحریم‌های همه جانبه از سوی دشمن است؛ مصادیق مجاهدت در راه خدا با مال، می‌تواند سرمایه‌گذاری در تولید و اشتغال‌زایی برای جوانان کشور و فرمانبرداری از رهبر انقلاب برای تحقق رونق تولید باشد. در کلام علوی بر تداوم تلاش و کوشش تأکید شده است(تمیمی آمدی، ۱۴۱۰، ص. ۲۶۲) و تمام کردن کار را به کامل کردن آن دانسته است(همان، ص. ۷۵). از منظر ایشان، کار غیرمداوم و بی ثمر، همچون برق جهنده در تاریکی است و برای انسان فایده‌ای ندارد(همان، ص.۶). براین اساس، یکی از جنبه های جِهاد اقتصادی، جهاد در تولید است؛ باید تولیدکنندگان و مدیران، سستی و تنبلی را کنار گذاشته و با تلاش و فداکاری در راه خدا و نیز اموال خود

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

سعی کنند تولیدات داخلی را به لحاظ کمّی و کیفی ارتقا بخشند تا رونق تولید و فرهنگ‌سازی در عرصه تلاش و کار فراهم شود.

۳-۱-۲- عدم غرور و خودبینی

یکی از آسیب‌های فردی در حوزه رونق کار و تولید، غرور و خودبینی است. فرد خوبین و مغرور، به کارهای سخت تن نمی‌دهد و آن را مغایر شخصیت خود می‌داند. در حالی که شغل انبیاء و امامان می‌تواند الگوی مناسبی برای این افراد باشد؛ زیرا پیامبران به مشاغلی چون کشاورزی و دامپروری و حفر قنات می‌پرداختند. در اسلام، بر کار مهم و غیر مهم اشاره نشده و آنچه اهمیت دارد، کار و اشتغال و تولید است. کار و تلاش اقتصادی، افزون بر نقش مثبت در تعالی شخصیت انسان و کسب درآمد، توسعه و پیشرفت جامعه را به دنبال دارد. کار، منشأ اصلی تولید ثروت و در نتیجه برقراری عدالت اقتصادی است. در بینش و تفکر اسلامی، کار خلّاق و مولّد، منشأ کسب مال و درآمد و کلید استفاده از منابع طبیعی و خدادادی است. ایشان رحمت پروردگار به یک جامعه را در گرو توجه مردم به امر تولید دانسته و برای نمونه - با توجه به آنکه در دوران حضرت کشاورزی از مهم‌ترین مشاغل تولیدی بود- تأکید نمودند جامعه‌ای که با داشتن آب و زمین کافی برای تولید کشاورزی، کوتاهی کند و یا بر اثر سوء مدیریت یا تنبلی، از نعمات بهره کافی نبرد و به اصلاح زمین نپردازد و همین بی‌توجهی موجب فقر ایشان گردد، از رحمت خداوند متعال به دور خواهد بود(ر.ک: حمیری، ۱۴۱۳، ص. ۱۱۵).

امام‌علی علیه‌السلام برای تبیین نقش کار و تولید و حرکت زایی در جامعه و توسعه فرهنگ کار درباره حضرت داود علیه‌السلام چنین می‌فرماید: «به دست خود از لیف خرما زنبیل‌ها می‌بافت و به همنشینان خویش می‌گفت: کدام یک از شما در فروختن آنها مرا کمک می‌کند؟ و از بهای آنها، خوراک او یک دانه نان جو بود»(خطبه ۱۶۰).

۳-۱-۳- خودکفایی

یکی دیگر از خصیصه‌های اخلاق اقتصادی که منجر به عدالت اقتصادی و شکوفایی و توسعه تولید می‌شود، خودکفایی اقتصادی است. اهمیت این موضوع نزد امام‌علی علیه‌السلام به نحوی بوده که حضرت پیوسته به امّت هشدار می‌داد که حتی در خوراک و پوشاک همچون بیگانگان نباشید تا مبادا استقلال خود را از دست داده و با دست نیاز بردن به سوی آنها، نزد ایشان خوار شوید(ر.ک: برقی، ۱۳۷۱، ۲، ص.۴۱۰).

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

امام‌علی(ع) در روایات متعدد وابستگی اقتصادی و اظهار نیاز به دیگران را موجب خواری، تحقیر، عدم موفقیت در کارها، فقر و یوغ ذلتی دانسته‌اند که عزّت و سربلندی انسان را می‌ستاند و حتی تأکید می‌نمایند که تحمل گرسنگی و رنج، بهتر از آن است که انسان به خاطر مسائل اقتصادی دچار وابستگی باشد(ر.ک: تمیمی آمدی، ۱۴۱۰، ص.۳۶۰). از روایات می‌توان برداشت نمود که خودکفایی و عدم وابستگی اقتصادی به یک منبع خاص یا منبع خارجی به طور طبیعی سبب تلاش حداکثری برای تأمین نیازها می‌گردد. بنابراین در یک جامعه خودکفا است که تولید در محوریت و توسعه قرار می‌گیرد. در همین راستا امام‌علی(ع) در مورد حضرت داود(ع) فرمود: وقتی خداوند به داود وحی نمود که از بیت المال ارتزاق نکند، در پی مدتی تلاش، داود موفق شد تا آهن را نرم کند و مقدمات بهره‌گیری از آن را فراهم آورد(کلینی، ۱۴۰۷، ۵، ص.۷۴).

۳-۱-۴-اعتدال در زندگی

یکی دیگر از راهبردهایی که مردم می‌توانند در حوزه برقراری عدالت اقتصادی در راستای رونق تولید انجام دهند، میانه‌روی در زندگی است. اعتدال و میانه‌روی در عرصه اقتصادی، ضرورتی اساسی در کنشگری مردم در حوزه رونق تولید است؛ زیرا با کمترین بی‌اعتدالی و گام‌نهادن در افراط و تفریط و داشتن خواسته‌های تجمّل‌گرایانه، مصرف‌گرایی توسعه می‌یابد و در نتیجه تولید در جهت مصرف‌گرایی خواهد شد.

امام‌علی(ع) در وصف ویژگی‌های اقتصادی متّقین می‌فرماید: «اینان، اهل تقوی، برترین و بهترین هستند، گفتارشان درست، شعارشان اعتدال و میانه‌روی و در عین بی‌نیازی میانه‌رو هستند»(خطبه ۱۹۳). در بینش علوی، اسراف ویرانگر و نابودکننده امکانات معرّفی شده است(آمدی تمیمی، ۱۴۱۰، ص. ۵۲۶) و مصرف در حدّ اعتدال و کفایت، مایه رسیدن به راحتی و آسایش است(کلینی، ۱۴۰۷، ۸، ص. ۱۹). امام‌علی(ع) میانه‌روی را عاملی برای بهبود زندگی و عدم فقر می‌داند(حکمت ۱۴۰). براساس کلام علوی، برترین شیوه مصرف که موجب رونق سرمایه، کار و امکانات(تولید) می‌گردد میانه‌روی در امور زندگی است(کلینی، ۱۴۰۷، ۴، ص. ۵۲). امام در نامه ۲۱ خطاب به زیاد بن ابیه، توصیه به میانه‌روی و دوری از اسراف می‌کند تا در برخورد با مردم از جاده انصاف و اعتدال خارج نگردد(نامه ۲۱).

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

۳-۱-۵- نهی از دنیاگرایی

نهی از دنیاگرایی و تشویق آحاد مردم به مسئله انفاق و بخشش، یکی از راهکارهای مردم نهاد در برقراری عدالت اقتصادی و رونق تولید است. در کلام علوی، دنیا با ویژگی‌هایی مانند مکر، غرور، فناپذیری، آمیختگی حلال با حرام، مرکب سرکش، زنی هوس‌انگیز و عروس هزار بازار و ... تشبیه شده است(ر.ک: خطبه‌های ۱۱۳ و ۱۹۱). امام در خطبه ۱۸۳، مردم را به پرداخت انفاق، بخشش، صدقه و زکات و ... تشویق کرده تا با انجام این امور و کمک به محرومان جامعه، زمینه‌ساز رونق اقتصادی و برقراری عدالت اقتصادی گردند: «با اموال خود انفاق کنید، از جسم خود بگیرید و بر جان خود بیفزایید و در بخشش بخل نورزید که خدای سبحان فرمود: «اگر خدا را یاری کنید، شما را پیروز می‌گرداند و قدم‌های شما را استوار می‌دارد» و فرمود: «کیست که به خدا قرض نیکو دهد؟ تا خداوند چند برابر عطا فرماید و برای او پاداش بی‌عیب و نقصی قرار دهد؟» درخواست یاری از شما به جهت ناتوانی نیست و قرض گرفتن از شما برای کمبود نمی‌باشد، در حالی که از شما یاری خواسته که: «لشکرهای آسمان و زمین در اختیار اوست و خدا نیرومند و حکیم است» و در حالی طلب وام از شما دارد که گنج‌های آسمان و زمین به او تعلّق دارد و خدا بی نیاز و حمید است، بلکه خواسته است شما را بیازماید که کدام یك از شما نیکوکارترید»(خطبه ۱۸۳). همچنین امام در سخنان حکمت‌آموز خویش به مسئله انفاق(حکمت ۲۳۲) و صدقه(حکمت ۲۵۸) پرداخته است که راهی برای رونق اقتصادی جامعه خواهد بود.

۴-۱-۲-۴- خودسازی

تربیت اسلامی و اعتقاد به معنویات یا به عبارت دیگر اصل خودسازی، یکی دیگر از راهکارهای فردی در برقراری عدالت اقتصادی و رونق و توسعه کار است. خودسازی و مبارزه با نفس به عنوان جهاد اکبر است که دارای ابعاد و ارکان بسیاری همچون خودسازی روحی، روانی، اعتقادی، فکری و جسمی است. در خطبه‌های ۱۷۶، ۱۸۳، ۱۸۷، ۱۹۰و نامه ۵۳ خطاب به مالک اشتر، امام به ضرورت توجه به تربیت اسلامی، لزوم دعوت به پرهیزکاری یا همان اصل خودسازی فرمان داده است. ایشان در خطبه ۸۷، پس از معرفی ویژگی‌ها و صفات برترین بنده خدا (انسان کامل)، انسان کامل را با ویژگی عدالت معرّفی کرده و می‌فرماید: «خود را به عدالت واداشته و آغاز عدالت او آن که هوای نفس را از دل بیرون رانده، حق را می‌شناسد و بدان عمل می‌کند» و در ادامه همین خطبه، به

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

شکرگزاری از نعمت‌های الهی که به تربیت اسلامی و اعتقادات هر فرد برمی‌گردد، اشاره می‌کند و آن را یک اصل، در شکوفایی و بروز نعمت‌ها بیان می‌کند. باید توجه داشت که خودسازی از نگاه حضرت‌علی(ع)، به معنای گوشه‌نشینی و عزلت نیست، خلوت کردن با خود برای رسیدن به قرب الهی لازم است؛ چرا که انسان موجودی اجتماعی است و با حضور در جمع، باید بتواند خود را به خدا نزدیک‌تر کند. بدون شک کسی که به اصلاح خویش بپردازد و در رأس آن عدالت را رعایت کند و نگره توحیدی به امور داشته باشد، دچار مصرف‌گرایی نشده و در نتیجه به عدالت اقتصادی جامعه و رونق تولید کمک خواهد کرد.

۳-۲- حکومت

مهمترین دغدغه امام‌علی(ع) حکومت‌داری به شیوه نبوی در اوج عدالت بوده است. در سیره ایشان الگوی نظری و عملی فراوانی در زمینه برقراری عدالت اقتصادی و ارتباط آن با رونق تولید ترسیم شده است. در این بخش این موارد تبیین و تشریح می‌شود:

۳-۲-۱- شایسته‌سالاری

اوّلین اصل در بعد حکومت، گزینش حاکمان و کارگزاران شایسته با صلاحیت اخلاقی-تخصصی در امور اقتصادی است؛ زیرا تولید نیازمند دانش و مهارت و تعهّد است. همچنین اگر گزینش کارگزاران به درستی انجام شود، جایگاهی برای ایجاد فساد مالی باقی نمی‌ماند؛ زیرا خاستگاه آن در کارمندان و کارگزاران حکومت است. امام‌علی(ع) در نامه خود به مالک اشتر، به وی توصیه می‌کند تا از کارگزاران سالم، باتجربه و خوشنام بهره ببرد؛ زیرا اینان در مقابل اصناف و گروه‌های مردم مانند سپاه، تاجران، بازرگانان و اهل صنعت، قشر کارگر و رعیّت جامعه (محرومان و مستضعفان)، قضات و داوران، کارگزاران حکومتی، مالیات‌دهندگان، منشیان و نویسندگان رعایت اصناف را کرده و براساس موازین صحیح رفتار می‌نمایند(نامه ۵۳). در منظومه فکری امام‌علی(ع) نخستین گام در گزینش، آزمایش کردن و انتخاب براساس مشورت است؛ چنانکه در عهدنامه مالک اشتر می‌فرماید: «سپس در امور کارمندانت بیندیش و پس از آزمایش به کارشان بگمار و با میل شخصی و بدون مشورت با دیگران آنان را به کارهای مختلف وادار نکن؛ زیرا نوعی ستمگری و خیانت است»(نامه ۵۳). در نگاه امام، شرط لازم برای تصدّی حکومت اسلامی، توانایی و دانایی

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

است، چنان‌که در خطبه ۱۷۳می‌فرماید: «ای مردم! سزاوارترین اشخاص به خلافت، آن کسی است که در تحقّق حکومت نیرومندتر و در آگاهی از فرمان خدا داناتر باشد»(همان). همچنین ایشان در رهنمودی به یکی از کارگزارانش فرمود: «در به کارگیری کارمندانت که باید زیر نظر تو کار کنند، واسطه و شفاعتی را نپذیر؛ مگر شفاعت کفایت را و کفایت، یعنی شایسته‌سالاری»(ابن ابی الحدید، ۱۴۰۴، ۲۰، ص. ۲۷۶). امام(ع) در جای دیگر و در نامه‌های ۲۵ و ۲۶ و ۵۱ و ۶۹ در باب اخلاق اجتماعی کارگزاران اقتصادی و مالیات بگیران حکومتی، تذکّراتی داده و کارگزاران را به مواردی مانند برقراری عدالت در برخورد با افراد، حرکت بر مبنای تقوای الهی، کمک به رعایا، دوری از هوای نفس در گرفتن زکات و مالیات، عدم دست‌اندازی به مال و جان مردم، انصاف در ارتباط با مردم، نحوه گرفتن زکات، مالیات و ... راهنمایی کرده است و در حکمت ۴۷۶ خطاب به زیاد بن ابیه حکمران فارس، وی را بر عدم ستمگری بر زیردستان و برقراری عدالت می‌خواند که از ضرورت‌های اخلاقی برای یک حکمران است». براین اساس، در منظومه اندیشه امام‌علی(ع) همانند مقام رهبری جامعه، به ترتیب دیگر پست‌های مدیریتی جامعه و نظام سیاسی، مسئولیت‌هایی هستند که افراد کاردان و متخصص خود را می‌طلبند و هر پستی، به توان، شایستگی و تخصص ویژه‌ای نیاز دارد و هرگز جایز نیست کسی جز آنکه اهلیّت مقامی را دارد، عهده‌دار آن شود یا افراد بی‌کفایت به کاری گمارده شوند. در غیر این صورت، جامعه مسیر اصلی توسعه و کمال را نخواهد پیمود و عدالت برقرار نخواهد شد.

۳-۲-۲- مبارزه با مفاسد اقتصادی

بی‌شک در جوامع انسانی، براساس قاعده «الناس علی دین ملوکهم»(ابن‌بابویه، ۱۳۸۵، ۱، ص. ۱۴)، مردم، تابع کار حاکمان خویش هستند و اگر حاکم جامعه‌ای، مبارزه اصولی با مفاسد اقتصادی نماید، موجب رونق اقتصاد جامعه و برقراری عدالت اقتصادی خواهد بود و اگر مبارزه با مفاسد اقتصادی صورت نگیرد، مردم نیز به سمت مفاسد اقتصادی رفته و رکود اقتصادی و افت تولید شکل می‌گیرد. این مفاسد اقتصادی براساس کلام علوی عبارت اند از:

۳-۲-۲-۱- مبارزه با رانت‌خواری(فساد سیاسی-اداری)

یکی از بنیادی‌ترین شاخصه‌های عدالت اقتصادی در حکومت دینی که زمینه رونق کار و تولید را فراهم می‌آورد، مبارزه با فساد سیاسی و ادری و رانت‌خواری است. فساد و رانت یک امر سیاسی

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

است و کنترل آن هم یک امر سیاسی است لذا نیازمند اراده سیاسی است. رانت‌خواری دارای پیامدهای منفی زیادی است که یکی از مهمترین آثار منفی آن عدم رونق تولید است. در همین حال در یک اقتصاد مبتنی بر رانت، ثروتمند شدن افراد نه به دلیل تلاش و فعالیت اقتصادی آنها، بلکه در اثر رابطه با عوامل قدرت سیاسی شکل می‌گیرد. با ایجاد و گسترش روحیه رانتی و فراگیرشدن فعالیت‌های فرصت‌طلبانه، روحیه کار و تلاش در جامعه از بین می‌رود(حاجی یوسفی، ۱۳۷۸، ص.۳۲). در واقع، در یک اقتصاد رانتی نظام انگیزشی لازم، برای بروز خلاقیت و نوآوری، فرو می‌ریزد و تولیدکنندگان منزوی شده و رغبتی به مشارکت در فعالیت‌های تولیدی را از خود نشان نمی‌دهند. در این صورت، کارآفرینان واقعی، عرصه را به نفع رانت‌جویان و وابستگان مقامات سیاسی خالی می‌کنند و راه بر رشد و تکامل، براساس قابلیت‌ها و شایستگی‌ها بسته می‌شود و در نتیجه استعدادها به سمت درآمدهای سهل‌الوصول گرایش پیدا می‌کند و توسعه و پیشرفت فناوری مختل می‌شود؛ بهره‌وری کاهش می‌یابد و با پرداختن به کارهایی که بازده شخصی دارند کارهایی که بازده عمومی و اجتماعی دارند، متوقف می‌شوند(رحیمی، ۱۳۹۳، ص.۶۱).

یکی از آسیب‌هایی که ممکن است هر مسئولی به آن مبتلا گردد، ویژه‌خواری یا رانت‌خواری است که اطرافیان و نزدیکان مدیران و مسئولان به سبب نزدیکی و ارتباط ویژه با مدیر، تلاش می‌کنند منافع مادی و معنوی زیادی را برای خود طلب نمایند. براساس آیه سیزدهم سوره حجرات «إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُم»، تنها ملاک برتری یک فرد بر افراد دیگر، اصل تقوامداری است و هیچ وقت نباید به کسی امتیاز ویژه‌ای داد. از این‌رو، امام علیه‌السلام در جهت مقابله با پدیده انحصارگرایی و فساد مالی، خطاب به مالک اشتر توصیه می‌کند که چنین افرادی را به دلیل خودخواهی، خوی چپاولگری و عدم انصاف، از خود دور سازد و به ایشان امکانات ویژه ندهد و به گونه‌ای با آنان رفتار کندکه قرار دادی به سودشان منعقد نگردد؛ زیرا به مردم زیان می‌رسانند(نامه ۵۳). امام علیه‌السلام دستور کلی می‌دهد که با مردم به انصاف رفتار کند؛ زیرا همین تبعیض قائل شدن موجب عدم اجرای عدالت در جامعه می‌گردد. همچنین، امام نه تنها به کارگزاران خویش توصیه می‌کرد که به انحصارطلبی و امتیازخواهی دیگران وقعی نگذارند، بلکه خود نیز زمانی که با خواهش برادرش عقیل مواجه شد، با نزدیک کردن پاره‌ای آهن داغ بر بدن عقیل، می‌فرماید: «ای عقیل، آیا تو در برابر آهن پاره‌ای که انسانی، آن را به شوخی و بازی برافروخته ناله می‌زنی، ولی مرا به جانب آتشی که خداوند قهّار به جهت خشم خود افروخته می‌کشانی؟! آیا تو از این درد اندك ناله بزنی و من از آتش

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

سـوزنده جهنّم ناله نزنم؟!»(خطبه ۲۲۴). همچنین در نامه ۴۳ امام خطاب به مصـقله بن هبیره شـیبانی فرماندار اردشیر خره فیروزآباد از شهرهای فارس در باب انحصارطلبی و دادن رانت به خویشاوندان از سوی مصقله هشدار داده و او را توبیخ می‌نماید.

۳-۲-۲-۲- مبارزه با اختلاس

یکی دیگر از آسیب‌های اقتصادی موضوع اختلاس و دست‌اندازی به بیت‌المال است. اهتمام به حفظ اموال عمومی و دولتی در نظام حقوق اسـلام، بر ذمّه دولت اسـلامی اسـت؛ امّا برخی کارگزاران حکومت در ادای این وظیفه شـرعی و قانونی کوتاهی کرده و اموال را به نفع خود یا دیگری تصـاحب می‌کنند که به این عمل اختلاس می‌گویند(ر.ک: رمضـانی، ۱۳۸۰، ص.۱۱). در عصـر حاضر، اختلاس به عنوان یکی از آسیب‌ها بر سر راه توسعه و پیشرفت جامعه اسلامی از جمله رونق تولید قرار گرفته است و به مراتب آسیب‌های زیادی را به دنبال دارد. این آسیب، علاوه بر آنکه اذهان عمومی را نسبت به حاکمیّت مخدوش می‌سازد، در میان مردم هم سرایت می‌کند و آنان را از تلاش و کوشش بازمی‌دارد.

در اندیشـه امام‌علی(ع) مهمترین خصـیصـه اختلاس‌کنندگان، ظاهربینی، ریاکاری و پنهان‌سـازی جنبه‌های مجرمانه رفتار اسـت(خطبه ۳۲). نیز ایشـان در خطبه ۱۲۶ با عنوان تقسـیم بیت‌المال که در مقام بیان عدالت اقتصـادی هسـتند و روشـن ترین بیان ایشـان در باب پرهیز از اختلاس است، چنین می‌فرماید: «آیا به من دستور می‌دهید برای پیروزی خود، از جور و ستم درباره امّت اسلامی که بر آنها ولایت دارم، سوء استفاده کنم؟ به خدا سوگند، تا عمر دارم و شب و روز برقرار است و ستارگان از پی هم طلوع و غروب می‌کنند، هرگز چنین کاری نخواهم کرد»

در نظام حکومت علوی، برای جلوگیری از اختلاس بر اعمال کارگزاران نظارت شـده اسـت. حضـرت مکرّر با ارسـال نامه هشـدارآمیز و موعظه مند، آثار ارتکاب به اختلاس را برای کارگزاران مناطق مختلف بازگو کرده و آنان را از این عمل بازداشته است، مانند نامه‌ای که حضرت درباره سوء استفاده نکردن از پست و مقام برای اشعث بن قیس فرماندار آذربایجان نگاشته است(نامه ۵) و یا نامه‌ای که درباره پرهیز از اسراف و ذخیره برای آخرت به زیاد بن ابیه نگاشته است(نامه ۲۱). در نامه ۴۱ خطاب به عبدالله یا عبیدالله بن عباس، در باب اختلاس و سـوء اسـتفاده از بیت المال هشـدار می‌دهد و با متوجه ساختن ابن عباس به عذاب و حسابرسی روز قیامت، این نکته را متذکّر می‌شود

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

که نباید از مال و جان مسلمانان سوءاستفاده کند. این عمل عبدالله بن عباس، عبرت بزرگی برای رجال سیاسی عصر حاضر است که بدانند بدون بصیرت، زمینه هر گونه لغزشی فراهم است.

علاوه بر نگارش نامه‌ها، حضرت خود را به عنوان الگویی در زمینه حفظ و نگهداری بیت‌المال به امّت اسلامی معرفی کرده و در نامه ۴۵ به عثمان بن حنیف اینگونه نگاشته است: «امام شما از دنیای خود به دو جامه فرسوده و دو قرص نان رضایت داده است. به خدا سوگند از دنیای شما پاره زری نیندوخته‌ام و از همه غنایم آن مالی ذخیره نکرده‌ام و به جای این جامه که اینک کهنه شده است، جامه دیگر آماده نساخته‌ام».

۳-۲-۲-۳- مبارزه با احتکار کالاها

یکی دیگر از مفاسد اقتصادی که در میان تاجران و کارگزاران مالی برای رشد قیمت‌ها وجود دارد، احتکار کالاها است. امام‌علی‌علیه‌السلام به صراحت و با استناد به سیره نبوی مالک اشتر را از احتکار نهی کرده است: «از احتکار بازدار؛ چرا که پیامبر خدا آن را منع فرمود و باید خرید و فروش، آسان و بر موازین عدل باشد با قیمت‌هایی که نه به فروشنده زیان رساند و نه به خریدار»(نامه ۵۳). این فرمان حضرت تأکیدی است بر اینکه داد و ستد و قیمت‌گذاری باید براساس موازین عادلانه تنظیم شود. نکته قابل توجه در این کلام آن است که حضرت نفرمود که قیمت‌ها را پایین آورد؛ بلکه تنظیم قیمت براساس عدل را خواستار شده است؛ یعنی قیمت‌ها به گونه تنظیم شود که نه به فروشنده و نه به مشتری ستم روا نشود و این زمانی تحقق می‌یابد که دولت زمینه مناسب برای عرضه کالا را به قیمت طبیعی فراهم نماید.

همچنین حضرت، خطاب به مالک اشتر در نامه ۵۳، وی را از گروه بازرگانان و تاجران بیم می‌دهد و می‌فرماید: «اینان، پیوسته، در پی احتکار و تحکّم اجناسند(هر قیمتی که خود خواهند روی اجناس گذارند) و همین امر، موجب زیان توده مردم و عیب و ننگ بر والیان است. بنابراین از احتکار جلوگیری کن! چرا که رسول خداصلی‌الله‌علیه‌وآله از آن منع نمود. پس داد و ستد باید آسان باشد و بر موازین عدالت صورت گیرد و به نرخی معامله شود که به فروشنده و خریدار اجحاف نشود. هرگاه کسی پس از نهی تو، دست به احتکار زد، او را مجازات کن؛ ولی در مجازاتش از زیاده روی بپرهیز». به طور طبیعی فعالیت‌های تولیدی عمدتاً در بخش صنایع، معادن و کشاورزی قرار می‌گیرد و بدین ترتیب، رونق تولید در گرو فعال شدن این بخش‌های اقتصاد است و اگر این اصناف دچار احتکار شوند، رونق تولید و عدالت اقتصادی در میان جامعه برقرار نخواهد شد.

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

۳-۲-۲-۴- مبارزه با رباخواری

رباخواری به عنوان یکی از مفاسد اقتصادی است که مشکلات مختلفی برای اقتصاد جامعه ایجاد می‌کند و شکاف طبقاتی میان اقلیّت پردرآمد و اکثریّت تهیدست را فزونی می‌بخشد و نیز میزان سرمایه‌گذاری، اشتغال و تولید را کاهش می‌دهد و تورم را افزایش می‌دهد. خداوند متعال، شخص رباخوار را مسّ شده شیطان، انجام‌دهنده فعل حرام، اعلام‌کننده جنگ با خدا و رسول اکرمﷺ، مستحقّ آتش و عقاب الهی می‌داند و مؤمنان را از خوردن مال حرام(ربا) منع می‌نماید(ر.ک: بقره/۲۷۵-۲۷۶؛ آل عمران/۱۳۰نساء/۱۶۱؛ روم/۳۹). امام‌علی‌علیه‌السلام در کلامی می‌فرماید: «لعن اللّه الرّبا و آکله و مؤکله و بایعه و مشتریه و کاتبه و شاهده»(نوری، ۱۴۰۸، ۱۳، ص. ۳۴۷)؛ «خورنده(گیرنده) ربا و کسی که ربا می‌دهد و کسی که شاهد و ناظر ربا است و کسی که نویسنده ربا است در این که کار حرام انجام می‌دهند، مساوی هستند». از این‌رو، باتوجه به اهمّیّت ربا در معاملات اقتصادی و تأثیر آن در برقراری عدالت اقتصادی میان افراد جامعه، امام در حکمت ۴۴۷، به ضرورت آموزش فقه در تجارت می‌پردازد و عدم آموختن اصول فقه اسلامی در زمینه تجارت را مساوی با رفتن به سمت رباخواری بیان می‌کند. با چنین اوصافی است که از سیره حکومتی آن حضرت نقل شده است هر روز در بازار قدم می‌زد و افراد را از رباخواری برحذر می‌داشت(ابن بابویه، ۱۴۱۳، ۳، ص. ۱۹۳-۱۹۴).

اگر تولیدکننده با استفاده از وام ربوی به تولید اقدام نماید، در نتیجه پرداخت سود بالای ربا، هزینه تولید وی افزایش یافته و این امر، به افزایش قیمت تمام شده کالای تولیدشده می‌انجامد و لذا با کاهش فروش و در درازمدت، تولید با مشکل مواجه خواهد شد. به تعبیر دیگر، هدف هر تولیدکننده‌ای تولید کالا با حداقل هزینه ممکن با هدف فروش بیشتر و لذا کسب سود بیشتر است؛ امّا اگر در نتیجه ربا، هزینه تولید افزایش یابد در نهایت، فروش کاهش یافته و تولید، توجیه اقتصادی ندارد. به تعبیر دیگر، عوارض اقتصاد ربوی در عرصه تولید، بیشتر خود را در کاهش سطح تولید و افزایش بیکاری، نشان می‌دهد. اگر تولید وابسته به وام‌های ربوی باشد، هزینه‌های تولید، به گونه‌ای افزایش می‌یابد که تولیدکننده با توجه به قیمت محصول، مجبور به کاهش تولید خواهد بود و کاهش تولید، خسارت‌های فراوانی از جمله افزایش تورم و بیکاری را به ارمغان می‌آورد، درحالی که در نظام غیرربوی، به لحاظ مشارکت تولیدکننده با صاحب سرمایه، هزینه نهایی تولید، منطقی و معقول خواهد بود که خود، افزایش تولید را به دنبال دارد(ر.ک: خوش خاضع و همکاران، ۱۳۹۹، ص.۱۱۷).

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

۳-۲-۳- شفافیّت‌سازی

از آن جا که بنیان جوامع انسانی، مستلزم پایه‌های اعتماد افراد به یکدیگر است. توجه به اعتماد در نظم اجتماعی با ظهور مکتب کارکردگرایی در انسان‌شناسی و مکتب کارکردگرایی ساختاری در جامعه‌شناسی، توسعه یافته است. به عبارتی، پایین بودنِ اعتمادِ تعمیم‌یافته در هر جامعه‌ای یکی از موانع اصلی توسعه و رونق در کار و تولید است.

به طور کلی، اعتماد زمانی رخ خواهد داد که شفُّافیّت در مسائل اقتصادی و اجتماعی وجود داشته باشد و نتیجه اینگونه شفافیت در جامعه، عدم ظلم و خیانت است. در نگره فکری امام‌علی علیه‌السلام شفافیّت در همه امور به جز اسرار جنگ در جامعه ضروری و به عنوان یکی از حقوق مردم بر دولت است(نهج‌البلاغه، نامه ۵۳). این سخن بازتاب‌دهنده شفافیّت لازم در جوامع انسانی است که اگر اینگونه شفافیّت وجود داشته باشد و اعتماد به حکومت و مدیران ایجاد گردد مشارکت در تولید بالا رفته و مدیران، تولیدکنندگان و کارگران با تمامی وجود و امکانات برای توسعه و رونق کار و تولید مشارکت می‌کنند.

ارتباط میان اعتماد و شفافیّت، مقوله‌ای است که در کلام علوی تصریح شده است. آن حضرت علیه‌السلام در نامه ۵۳ چنین می‌فرماید: «اگر مردم درباره تو گمانِ بد بردند عذر و دلیلت را آشکارا برایشان مطرح کن و سوءظنّ مردم را از اذهان‌شان دور نما. زیرا این شیوه، درباره خود تو ریاضت و برای رعیت، لطف است و مرحمت و این عذرخواهی وسیله‌ای خواهد بود که حقّ و عدالت را به آنان بیاموزی و به پیروی از حق وادارشان سازی». به عقیده یکی از مفسّران معاصر «یکی از آسیب‌ها در حکومت‌ها این است که بسیاری از مردم از جزئیات مسائلی که در جامعه می‌گذرد ناآگاه هستند و گاه زمامدار عادل، دست به اقداماتی برای حلّ مشکلات و اصلاح امور می‌زند که دلیلش بر آنها مخفی است. همین امر موجب بدگمانی مردم می‌شود و اگر این بدگمانی‌ها روی هم متراکم گردد ممکن است مردم را از حکومت جدا سازد؛ از این رو، هرگاه والی و زمامدار، احساس کند سوءظنّی برای مردم درباره مسئله‌ای پیدا شده باید آشکارا دلیل منطقی کار خود را بیان دارد تا آنها آرامش فکر پیدا کنند و سوء ظنّ‌شان برطرف گردد»(مکارم شیرازی، ۱۳۸۶، ۱۱، ص.۱۰۳). بدون شک ایجاد این گونه بینش برای تولیدکنندگان سبب یکرنگی بین آنها با مسئولین شده و با پشتکار بیشتری در راستای رونق تولید همّت می‌گمارند.

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

۳-۲-۴- اتّخاذ سیاست‌های مالی درست

پنجمین اصل در برقراری عدالت اقتصادی در جامعه، از سوی حکومت، اتّخاذ سیاست‌های مالی درست، توسّط حکمران جامعه و اعضای حکومتی است و با ابلاغ آنها به دستگاه‌ها و اصناف مختلف، زمینه رشد اقتصادی فراهم می‌گردد؛ در واقع، سیاست‌های مالی، سیاست‌هایی است که دولت درباره درآمدها و هزینه‌ها اتّخاذ می‌کند. همچنین دولت می‌تواند درباره منابع درآمدی خود و نیز هزینه کردن آنها، سیاست‌هایی را در پیش بگیرد که در وصول نظام اقتصادی به اهدافش مؤثر باشد(یوسفی، ۱۳۸۷، ص. ۴۴۹). امام در نامه‌های خویش به کارگزاران حکومتی در بلاد اسلامی(نامه‌های ۵۱ و ۵۳) بدین اصل تأکید می‌ورزد. در بحث سیاست‌های مالی، بحث جمع‌آوری مالیات مطرح است که از طریق گرفتن خراج، زکات، صدقه، خمس، غنایم جنگی، فیء شامل خراج و جزیه، انفال و ... صورت می‌گیرد. در قرآن کریم، خمس، زکات به عنوان حق معلوم (ذاریات/۱۹)، انفاق(انفال/۳-۴) و صدقات(بقره/۱۹۶ و ۲۶۳؛ توبه/۱۰۳) معرّفی و تبیین شده است. در کنار کلام الهی، کلام امام نیز نافذ بود. امام علیه‌السلام بارها به سیاست‌های مالی تبیین شده از سوی خدا و رسولش صلی‌الله‌علیه‌وآله مانند انفاق(ر.ک: حکمت ۶۹ و ۲۲۴ و ۴۱۷)، صدقه (ر.ک: حکمت ۷ و ۱۳۷ و ۱۴۶ و ۲۵۸)، زکات (خطبه ۱۹۲ و حکمت ۱۳۸) و خمس(حکمت ۲۶۲) اشاره و تدابیری را بیان می‌کند. همچنین امام در نامه ۲۵ درباره نحوه گرفتن مالیات از مردم هشدارهای لازم را بیان می‌نماید. بی‌شک از نظر امام علیه‌السلام خراج و مالیات، در زمانی مؤثر و موجب رونق کار و تولید در جامعه است که وضع اقتصادی رو به بهبودی برود و در حال مالیات‌دهنده، تأثیر مشخص داشته باشد تا او، از قبل سود خود، مالیات دهد؛ لذا به مالک اشتر می‌فرماید: «در مورد مالیات چنان عمل کن که موجب بهبود حال خراج گذاران گردد»(نامه ۵۳).

یکی دیگر از تدابیر لازم در حوزه سیاست‌های مالی حکومت، توزیع بخشی از درآمدها، به طبقات کم درآمد است. امام علیه‌السلام به مالک اشتر می‌فرماید: «خدا را خدا را در کار طبقه فرودست! سهمی از بیت المال خود را مخصوص ایشان قرار ده و نیز در هر شهر قسمتی از محصول زمین‌های غنیمتی را به آنان مخصوص دار»(نامه ۵۳). از رهگذر این اقدام، اگر در جامعه اسلامی، عملی گردد، زندگی اجتماعی طبقات ضعیف استوار، اندوهشان کم و استعدادهایشان شکوفا می‌گردد. همچنین زمینه‌ساز رشد حیات اقتصادی آنان شده، به آنان این امکان را می‌دهد که کار و کالای تولیدی خویش را به راحتی و به بهای اندک در اختیار طبقات بالادست، سرمایه‌داران و تاجران قرار ندهند.

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

۳-۲-۵- توّجه به اشتغال افراد

یکی دیگر از راهبردهای حکومت در عرصه ایجاد عدالت اقتصادی و رونق تولید، توجه به اشتغال است. هدف دین اسلام تأمین زندگی افراد با تولید و کار مطابق کرامت انسانی است. امام‌علی(ع) بارها به لزوم کار و تلاش اشـاره می‌کند و در خطبه ۱۶ به ضـرورت این امر و ثمره آن در دنیا و آخرت تذکّر می‌دهد و می‌فرماید: «آن کس که بهشت و دوزخ را پیش روی دارد، در تلاش است». اهمّیت توجه به شغل بازرگانان و صاحبان صنایع در فرمان حکومتی به مالک اشتر تأکید شده است.

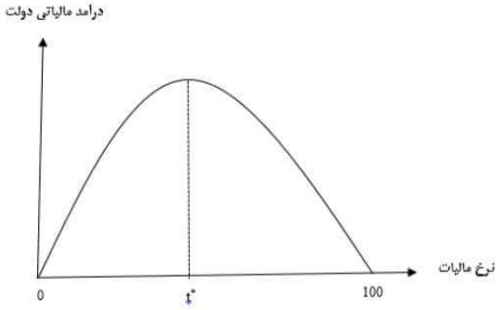
ضرورت اولویت کار و اشتغال، برگرفتن مالیات یکی از راهبردهای حکومت علوی در رونق تولید و برقراری عدالت اقتصادی است. حضرت در نامه ۵۳ خطاب به مالک اشتر می‌فرماید: «خراج يعني بخش‌هاي مالياتي بايد تأمين بشود لكن كوشش تو در ماليات گرفتن كمتر از كوشش تو در آباد كردن و توليد كار و اشـتغال باشـد. اسـاس همّتت اين باشـد كه اشـتغال و توليد را تقويت كني و در سـايه آن اشـتغال و توليد، از مردم ماليات بگيري». اين بيان حضـرت، ريشـه در اصـل قرآني دارد: «هُوَ أَنشَأَكُم مِنَ الْأَرْضِ وَاسْتَعْمَرَكُمْ فِيهَا»(هود: ۶۱). باب استفعال در واژه «اسْتَعْمَرَكُمْ» نشانه طلب جدّي است، يعنى از شما خواست كه حتماً زمين را آباد كنيد كه به بيگانه نيازمند نباشيد، در كمال عزّت و حكمت به سر ببريد، نه زير سلطه كسي باشيد، نه كسي را زير سلطه خود بگيريد. براين اساس، حضرت به مالك توصيه مى‌كند كه مصر را با توليد و كار و اشتغال زايى اداره كند نه اينكه بر گرفتن ماليات اصرار داشته باشد. اينكه صاحبان حرفه‌هاى مختلف را رصد كند و كاري كند كه اينها بتوانند براي خودشان كار كنند و با كرامت زندگي كنند. از اين رو، سير كردن شكم افراد، هدف نظام اسلامى نيست، بلكه حفظ كرامت انساني، هدف نظام است. اساس يك نظام به اين سبك است كه افراد جامعه به صورت تعاونى يا خصوصى كار داشته باشند، لذا توليد و منافع مردم بايد در سايه كرامت انسانى حفظ شود تا عدالت اقتصادى برقرار شود.

توضيح آنكه نرخ‌هاى مالياتى بالا، هر چند در كوتاه‌مدت، درآمد مالياتى را افزايش مى‌دهد، امّا در بلندمدت، با تغيير رفتار مؤديان و كاهش توليد و فعاليت‌هاى اقتصـادى، درآمد مالياتى كاهش مى‌يابد. امكان رابطه معكوس پايين نرخ‌هاى مالياتى و درآمد مالياتى، توسـط ابن‌خلدون تبيين شـده است. وى معتقد است حكومت‌ها در اوايل سلطنت خود، از طريق وضع مالياتى معين و اندك، درآمد وسـيعى را كسـب مى‌نمايند؛ در حالى‌كه در آخر سـلطنت با وضـع ماليات‌هاى سـنگين، درآمد كمى را

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

جلب می‌کنند(ابن خلدون، ۱۳۹۱، ص.۲۹۷). همچنین براســاس مدل منحنی آرتور لافر[1] درآمد مالیاتی در نرخ‌های مالیاتی صـفر یا ۱۰۰ درصـد صـفر می‌باشـد و سـپس با افزایش تدریجی نرخ‌ها، درآمد مالیاتی نیز افزایش می‌یابد؛ تا این‌که درآمد مالیاتی در یک نرخ معین حداکثر شــده و از آن به بعد با افزایش نرخ، کاهش می‌یابد. بنابراین هر گاه نرخ مالیاتی به قدری بالا باشد که در قسمت شیب منفی منحنی قرار گیرد، کـاهش نرخ‌هـای مـالیـاتی منجر بـه افزایش درآمـدهـای مـالیـاتی خواهـد شـد(ر.ک: سـعادت مهر، ۱۴۰۱، ص.۹۹). در واقع، منحنی لافر نشـان‌دهنده این اسـت که کاهش سطوح مالیاتی، نه تنها باعث کاهش درآمد مالیاتی دولت نمی‌شود، بلکه به این دلیل که اشتیاق برای تولید را افزایش می‌دهد باعث افزایش رشد اقتصادی و در نتیجه افزایش درآمدهای مالیاتی می‌شود.



در واقع سیاست کاهش نرخ‌های مالیاتی و به‌طور کلی کاستن از بار مالیاتی، سیاست انبساطی مالی و در جهت افزایش اشـتغال و رشـد تولید می‌باشـد. این سـیاسـت از طریق معافیت‌های مالیاتی مناسـب با شرایط و احوال اقتصادی و توانایی مؤدیان نیز هدف افزایش تولید را محقق می‌سازد؛ ضمن این‌که مصرف جامعه را در سـطح مناسـب حفظ می‌کند تا بهره‌وری نیروی کار و زندگی کریمانه فرد دسـتخوش تغییرات ناخوشایند نگردد. لذا فرمان امام علیه‌السلام به مالک اشتر، حکایت دیگری از بینش و خوش‌بینی حضرت نسبت به توانایی مردم در امر تولید اسـت. امام علیه‌السلام تخفیف را به عنوان ذخیره و گنجینه‌ای می‌داند که بالاخره در عمران و آبادی کشـور به کار گرفته می‌شـود و به عبارت دیگر تخفیف مالیاتی بسـان پس‌انداز و انباشـت سرمایه در دست بخش خصوصی است که اگر به دست دولت قرار گیرد، ممکن است مستقیماً در چرخه تولید وارد نشود.

1. Artur Laffer

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

افزون بر این، مردم برای فرار از مالیات به دروغ و تقلب‌های گوناگونی متوسّل می‌شوند. کسانی که توانایی فرار از مالیات یا نهادن آن بر گردن دیگری را دارند، بار مالیاتی کم‌تری را تحمل خواهند کرد و در نتیجه عدالت مالیاتی، در دو سطح افقی و عمودی نقض می‌شود. مشاهده تصویر ناعادلانه از نظام مالیاتی، اعتماد بین مردم و دولت را سست نموده، به مشارکت عمومی لطمه زند. در چنین فضای مسمومی عزم ملی بر خارج‌کردن کشور از بن‌بست‌های اقتصادی و تقاضای ایثار از مردم، امری دور از انتظار خواهد بود و در نتیجه عدالت اجرا نشده و توسعه نیز صورت نمی‌گیرد.

۴-تحلیل جایگاه عدالت اقتصادی و تأثیر آن در رونق کار و تولید در عصر امروزی

اگرچه امروزه، از نظر اقتصاد متعارف، تحقّق «بازار رقابت کامل»، شرایط و ویژگی‌هایی مانند زیاد بودن خریداران و فروشندگان، تشابه و همگن بودن کالاها، آزادی ورود و خروج به بازار، شفافیت اطلاعات بازار، سیال بودن عوامل تولید (یعنی کالایی تولید شود که بالاترین بهره‌وری را داشته باشد و بتواند میان همه تولیدات، بالاترین قیمت را دریافت کند)(تفضلی، ۱۳۷۵، صص.۸۴-۸۵) را دارد، امّا می‌توان با برقراری شرایط و امکانات برابر برای همه اصناف و گروه‌های مردم، موجب تولید و کار و توسعه اقتصادی در جامعه شد.

در سیره عملی امام علیه‌السلام با توجه به متون روایی و به ویژه نهج‌البلاغه، مواردی ذکر شده است که موجب رونق و سلامت کار و تولید خواهد شد:

الف) ایجاد و رواج فرهنگ وصیّت و وقف اموال، موضوعی که امام در نامه ۲۴ بدان اشاره دارد و خود عملا به چنین امری مبادرت می‌کرد و در حکمت ۲۵۴ مردم را به امر وصیت تشویق می‌نماید.

ب) ممانعت از تداول ثروت بین اغنیا. شهید صدر، دو اصل را در توزیع و رفع فقر، از آیات (حدید/۲۵؛ حشر/۷) استخراج می‌کند. قرآن با احترام به مالکیت خصوصی، از تداول ثروت بین اغنیاء ممانعت کرده است و اجازه نمی‌دهد تا عدّه محدودی، حتّی به واسطه قدرت و ابتکار خود، از ثروت نجومی برخوردار گردند و تعداد زیادی از مردم، محروم بمانند. از این‌رو بسیاری از متون اقتصاد اسلامی، توازن و عدم فاصله طبقات را از ارکان عدالت اقتصادی دانسته‌اند(صدر، ۱۳۸۲، ۲، ص.۶۷۳).

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

ج) احساس مسئولیّت تمام گروه ها و اصناف (ر.ک: حکمت ۳۲۸ و خطبه ۱۴۲).

د) اصلاح نظام آموزشی: بی‌شک بسیاری از نابرابری‌های اقتصادی و اختلاف در سطح زندگی و درآمدها، با میزان دستیابی به علوم، فنون و کسب مهارت‌های علمی و تخصص‌ها، ارتباط مستقیم دارد و نظام آموزشی، راهی برای دراختیارگرفتن پست‌ها و مسئولیّت‌های مهم و درآمدزای جامعه و رشد و پیشرفت فردی و اجتماعی است. از این‌رو به‌جاست تمام افراد جامعه از فرصت های آموزشی برابر برخودار شوند.

و) سالم‌سازی درآمدها که از راهکارهای مهم در اجرای عدالت اقتصادی و رونق کار و تولید است. در این زمینه دولت و مردم هرکدام وظایفی دارند. در حوزه دولت ایجاب می‌کند کارگزاران حکومتی، با اتّخاذ روشی خردمندانه، به اصلاح نظام اداری بپردازند. بر بازار، دادوستدها، تولید کالاها، توزیع آنها و ارائه خدمات، نظارت همه جانبه، کامل و مؤثر را اعمال نمایند و با نرخ گذاری و جلوگیری از انحصارطلبی افراد، اصناف و گروه‌ها، کنترل صادرات و واردات، شناخت دقیق روند تولید و توزیع به انتظارات مردم پاسخ مناسب دهند. از این‌رو در سیره عملی امام دیده می‌شود ایشان با تازیانه‌ای در بازارها راه می‌رفت و مردم را به پرهیزگاری و داد و ستد شایسته فرامی‌خواند و می‌فرمود: «پیمانه و ترازو را به تمام دهید و شکم دام‌ها را برای آن که فربه بنماید (سنگین و بهتر فروش رود) پر مسازید»(ابن‌حیون، ۱۴۰۹، ۲، ص.۳۶۴). از طرف دیگر، مردم، نیز وظیفه دارند از جمع‌آوری مال حرام بپرهیزند(ر.ک: نساء/۲۹) و از گران‌فروشی، کم فروشی(ر.ک: هود/۸۵)، کلاهبرداری، معاملات ربوی(ر.ک: آل عمران/۳۰)، تقلّب در تولید، استثمارگری و ... دوری کنند.

در نگاهی کلّی می‌توان با به کارگیری راهبردها و اصول بنیادین مطرح شده در سیره فکری و عملی امام‌علی علیه‌السلام، آن‌ها را دردولت‌های اسلامی به کار برد. از واگذاری پست‌ها به افراد ناشایست و فاقد صلاحیّت، ممانعت شود و ضمن اجرای قانون و برابری در امکانات و توزیع ثروت‌های جامعه، زمینه‌های فزون‌خواهی و تکاثر، رانت‌خواری، احتکار و ... که از موانع اجرای عدالت اقتصادی در جامعه است، از بین برده شود.

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

نتیجه گیری

با توجه به مطالبی که گذشت می‌توان گفت:

۱- تحقق توسعه و رونق کار و تولید، مستلزم توجه به مقوله‌های مختلف در حوزه عدالت اقتصادی است. در منظومه فکری علوی، راهبردهای وصول به عدالت اقتصادی و رونق تولید در دو حیطه مردم و حکومت تجلّی می‌یابد.

۲- رخوت، کاهلی و عدم کار، غرور، خودکفایی نهی از دنیاگرایی، میانه‌روی در زندگی و خودسازی مهمترین راهبردهایی است که مردم می‌توانند در این زمینه کمک فزاینده به نظام اسلامی داشته باشند.

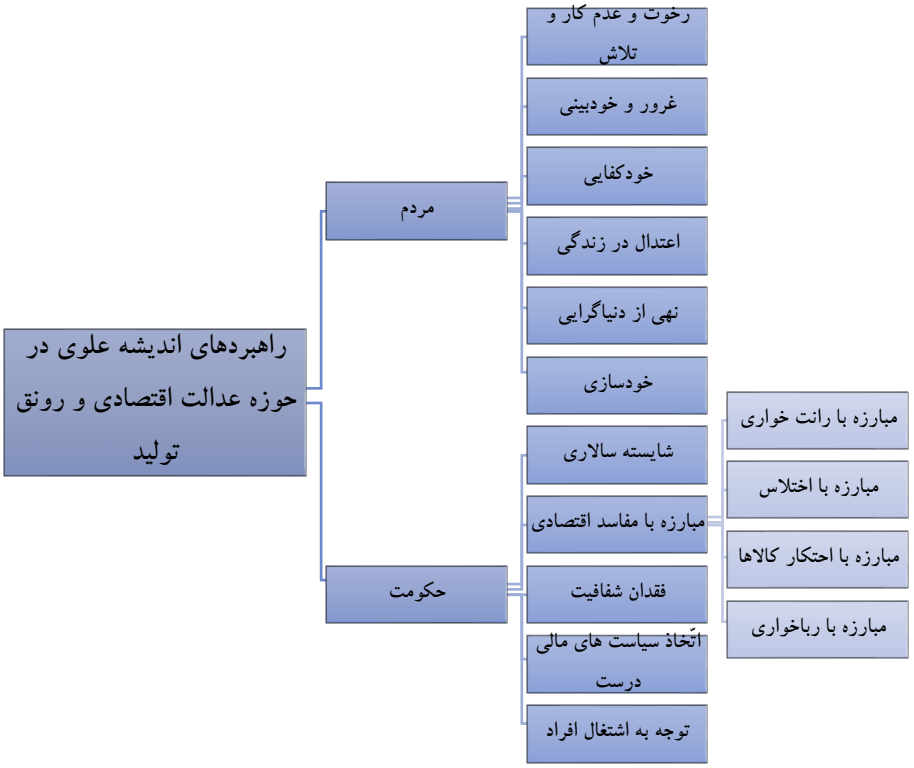
۳- تولید، نیازمند تخصّص و دانش است و فقدان شایسته‌سالاری و شایسته‌گزینی، مانع ورود دانش و تخصص به فرایند تولید و مدیریت امور تولیدی می‌گردد. همچنین شفافیّت و رویه‌های درست مالی، از دیگر وظایف حکومت اسلامی است که می‌تواند در رونق تولید و عدالت اقتصادی تأثیرگذار باشد.

٤- یکی از مباحث قابل تأمل در حیطه حکومت اسلامی از منظر کلام علوی، مبارزه مستمر با مفسد اقتصادی است. این رویکرد عاملی تأثیرگذار در آرامش و ساماندهی جامعه و عامل جلوگیری بسیاری از آسیب‌ها در کارگزاران و مدیران است. به عنوان نمونه فساد سیاسی و اداری از طریق ورود آشایان و وابستگان قدرت به اداره امور مانع رونق تولید می‌گردد؛ زیرا در چنین وضعیتی، آنچه مهم است تأمین منافع اقلیتی از آشنایان و وابستگان است که بدون نیاز به تولید و از طریق رانت انجام می‌پذیرد.

۵- کلام علوی، مدلی روزآمد در عرصه مدیریت اقتصادی جهت پیشبرد عدالت و توسعه تولید ارائه می‌دهد که این الگو، مطابق بیانیه گام دوم انقلاب می‌تواند در نظام‌سازی جامعه اسلامی نقش‌آفرین باشد.

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir



Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

منابع

قرآن کریم.

نهج‌البلاغه، ۱۴۱۴ق، صبحی صالح، قم: هجرت.

۱. ابن ابی الحدید، عبدالحمیدبن هبه الله، ۱۴۰۴ق، ***شرح نهج‌البلاغه***، تحقیق: محمدابوالفضل ابراهیم، قم: مکتبه آیت الله مرعشی ﷺ.

۲. ابن‌بابویه، محمدبن علی، ۱۴۱۳ق، ***من لایحضره الفقیه***، قم: جامعه مدرسین.

۳. ----------، ۱۳۸۵ش، ***علل الشرایع***، تحقیق: علی اکبر غفاری، قم: جامعه مدرسین.

۴. ابن حیون، نعمان بن محمد، ۱۴۰۹ق، ***شرح الأخبار فی فضائل الأئمه الأطهار*** ﷺ، تحقیق محمدحسین حسینی جلالی، قم: جامعه مدرسین.

۵. ابن خلدون، عبدالرحمن، ۱۳۹۱ش، ***مقدمه ابن خلدون***، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی.

۶. ابن‌منظور، محمدبن مکرم، ۱۴۱۴ق، ***لسان العرب***، بیروت: دارالفکر.

۷. برقی، احمد بن محمد بن خالد، ۱۳۷۱ق، ***المحاسن***، تحقیق: جلال الدین محدث، قم، دار الکتب الإسلامیة.

۸. تفضلی، فریدون، ۱۳۷۵ش، ***تاریخ عقاید اقتصادی(از افلاطون تا ارسطو)***، تهران: نی.

۹. تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد، ۱۴۱۰ق، ***غررالحکم و دررالکلم***، تحقیق: مهدی رجائی، قم: دارالکتاب الإسلامی.

۱۰. توسلی، حسین، ۱۳۷۵ش، ***مبانی نظری عدالت اجتماعی***، تهران: مدیریت بهره وری بنیاد مستضعفان و جانبازان.

۱۱. حاجی یوسفی، امیر محمد، ۱۳۷۸ش، ***دولت، نفت و توسعه اقتصادی در ایران***، چاپ اول، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی.

۱۲. حمیری، عبد الله بن جعفر، ۱۴۱۳ق، ***قرب الإسناد***، قم، مؤسسة آل البیت ﷺ.

۱۳. رمضانی، احمد، ۱۳۸۰ش، ***اختلاس: بررسی فقهی-حقوقی***، تهران: انتشارات دانش و اندیشه معاصر.

۱۴. صدر، کاظم، ۱۳۷۵ش، ***اقتصاد صدر اسلام***، تهران: دانشگاه شهید بهشتی ﷺ.

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

۱۵. صدر، محمدباقر، ۱۳۸۲ش، ***اقتصادنا***، قم: بوستان کتاب.

۱۶. غلامپور، احسان، ۱۳۹۹ش، ***بررسی رونق تولید اقتصادی از دیدگاه قرآن کریم***، همایش جشنواره تألیفات علمی برتر علوم انسانی اسلامی-جایزه ویژه علامه جعفری رحمه‌الله.

۱۷. فراهیدی، خلیل بن احمد، ۱۴۰۹ق، ***العین***، تحقیق مهدی مخزومی و ابراهیم سامرائی، قم: دارالهجره.

۱۸. قابل، هادی، ۱۳۹۰ش، ***قاعده عدالت و نفی ظلم***، قم: فقه الثقلین.

۱۹. کلینی، محمدبن یعقوب، ۱۴۰۷ق، ***الکافی***، تهران: دارالکتب الإسلامیه.

۲۰. لیثی واسطی، علی بن محمد، ۱۳۷۶ش، ***عیون الحکم و المواعظ***، تحقیق حسین حسنی بیرجندی، قم: دارالحدیث.

۲۱. مصباح یزدی، محمدتقی، ۱۳۷۴ش، ***آموزش عقاید***، قم: سازمان تبلیغات اسلامی.

۲۲. مطهری، مرتضی، ۱۴۰۳ق، ***بررسی اجمالی مبانی اقتصاد اسلامی***، تهران: حکمت.

۲۳. ----------، ۱۳۶۸ش، ***عدل الهی***، تهران: صدرا.

۲۴. مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۸۶ش، ***پیام قرآن***، قم، مدرسه امیرالمؤمنین علیه‌السلام.

۲۵. نوری، حسین بن محمدتقی، ۱۴۰۸ق، ***مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل***، قم: مؤسسه آل البیت علیهم‌السلام.

۲۶. یوسفی، احمدعلی، ۱۳۸۷ش، ***اقتصاد علوی(مبانی، اهداف و اصول راهبردی)***، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

مقالات

۲۷. آقانظری، حسن، ۱۳۸۳ش، عدالت اقتصادی از نظر افلاطون، ارسطو و اسلام، ***فصلنامه اقتصاد اسلامی***، ۴(۱۴)، ۶۳-۷۸.

۲۸. خوش خاضع، محمدجواد و همکاران، ۱۳۹۹ش، موانع سیاسی و اجتماعی رونق تولید از منظر قرآن و نهج‌البلاغه، ***مطالعات فقه اقتصادی***، ۲ (۳)، ۱۰۳-۱۲۱.

۲۹. رحیمی، حسن، ۱۳۹۳ش، نفی رانتیریسم در نهج‌البلاغه، ***پژوهشنامه نهج‌البلاغه***، ۶ (۲)، ۵۷-۷۳.

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

۳۰. رعایائی، مهدی، ۱۴۰۰ش، بررسی اصل عدالت در حکمرانی اقتصادی مبتنی بر نظریه شهید صدر (با تأکید بر عدالت توزیعی)، ***فصلنامه تحقیقات بنیادین علوم انسانی***، ۱ (۷)، ۱۰۷-۱۳۱.

۳۱. سعادت مهر، مسعود، ۱۴۰۱ش، برآورد نرخ بهینه مالیات بر ارزش افزوده با رویکرد منحنی لافر، ***فصلنامه اقتصاد مقداری***، ۱۹ (۷۳)، ۹۳-۱۱۰.

سایت

۳۲. حسینی خامنه‌ای، علی(۱۳۸۹)، ***بیانات رهبری در دیدار با هیأت دولت مورخ ۱۳۸۹/۶/۸:*** https://www.leader.ir/fa/content/7168.

33. Rawls. John(1980). ***A theory of Justice***, otford university press..

Archive of SID.ir